

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید هاشم سدید

۱۱ مارچ ۲۰۱۲

## جائی که قلم هم از نفس می افتد!

صدر اعلامیه "شورای علمای افغانستان" در مورد جدائی یا تفکیک زن و مرد در دفاتر و مراکز تعلیمی و اجتناب از سفر بدون محرم شرعی که چیزی شبیه قانون احوال شخصیه آقای آصف محسنی است، مرا هم مانند سایر انسان های آزاده، انسان و حقجو کمی خشمگین ساخت - کمی برای این که با شناختی که من از چنین شورا ها و افراد شامل این شورا ها دارم، صدور چنین اعلامیه ها را از این افراد و این شورا ها هیچ گاه بعید نمیدانم و همواره در انتظار چنین *ارشاداتی* از سوی این ها و از سوی این مراکز و منابع هستم! ( وقتی انسان از نگاه روانی انتظار خبر ناگواری را دارد، شنیدن آن خبر برایش آن تأثیری را ندارد که بر شخصی که انتظار آن خبر را ندارد، می داشته باشد.)

تأیید و پشتیبانی آقای کرزی از این پیشنهاد هم مرا متعجب نساخت، زیرا با توجه به سابقه سیاسی وی - همکاری با برادران طالب شان - و با توجه به مکتبی که او عملاً علم سیاست کردن را از دوران طفولیت و به تدریج در آن آموخته است - راه محافظه کارانه پدر مرحوم شان - جا و سواالی برای متعجب شدن باقی نمی ماند.

این موضع گیری زن ستیزانه آقای کرزی مرا به یاد یکی از بند های مقدمه قانونی اساسی مصوبه سال ۱۳۸۲ انداخت که شرح آن بدین گونه است:

" به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی، و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم ... این قانون اساسی را مطابق با واقعیت های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و مقتضیات عصر از طریق نمایندگان منتخب مردم در لویه جرگه مؤرخ / ۱۳۸۲ در شهر کابل تصویب نمودیم."

من نقداً و به نوبه خود از بحث روی این بند ضد و نقیض مقدمه قانون اساسی به فکر این که این بند خود ترکیبی از " دادن و پس گرفتن حق و حقوق " به/ از مردم است، حرفی نمی زنم. می خواهم آقای کرزی و مشاورین عالیمقام شان مقوله ها یا مفاهیم اخلاقی، فلسفی، سیاسی و جامعه شناسانه "جامعه مدنی"، "ظلم"، "استبداد"، "تبعیض"، "خشونت"، "قانون"، "عدالت"، "عدالت اجتماعی"، "کرامت"، "حقوق"، "آزادی"، "انسان" و سایر ارزش های

انسانی را که شامل این مقدمه هستند و نیستند، ولی برای زیستن انسانی تر همه انسان هائی که در کشور ما زندگی می کنند - اعم از زن و مرد، و خرد و بزرگ - ضروری اند، برای مردم کم سوادى مانند من بررسی تحلیلى - توصیفی - علمى کنند و بعداً بگویند که آیا واقعاً این پیشنهاد از روی فهم و تشخیص درست و دانشمندانۀ این مقوله ها و مطابق بند یاد شده در مقدمۀ مزبور صورت گرفته است یا نه؟ همچنان لطف کرده بفرمایند که "جامع" بودن این پیشنهاد بنابر کدام دلایلى می باشد؟ و این که سازگارى برخى از واقعیت های تاریخی، فرهنگی و اجتماعى اجتماع ما - وجود تفکر تفوق مرد بر زن، خواه از عرف برخاسته باشد خواه از اعتقادات دینی - چگونه با متضیيات عصر - احترام به حقوق و آزادی همه افراد و اشخاص، رعایت اصل برابری زن و مرد و رهائی وی از ستم مردسالاری و توجه به اصل "بزرگداشت شرف و حیثیت همه افراد خاندان بشری" - ممکن است؟ (آقای کرزى پیشنهاد منسوبین شورای علماء را در دیداری که با این علماء داشتند "جامع" خوانده بر "مدیریت، دانش و حراست" علماء در مورد مسائل دینی تأکید کردند).

من نمی دانم که برداشت آنانی که این مقدمه و اصل قانون اساسی سال ۱۳۸۲ را تدوین کرده اند و ایشان (آقای کرزى) که آن را توشیح نموده اند از اقتضای عصر چیست؟! و مجریان این قانون که شامل همه نهاد های دولتی می شوند چگونه قادر خواهند شد که "دیدگاه های شرعی مردم را" با مقتضیات عصر هماهنگ بسازند؟! یا قانونگذارانی که این قانون را تدوین نموده اند چگونه انتظار دارند که این معجونی از "آره و نه" به منصۀ اجراء گذاشته شود؟!

آقای کرزى در این خصوص می گویند:

"این یک دیدگاه شرعی وطن ما است و تمام مسلمانان افغانستان به آن پابند هستیم."

آیا این سخن با دومین بند مقدمۀ قانون اساسی که مطابق آن دولت خود را مقید به رعایت منشور ملل متحد و احترام به اعلامیۀ جهانی حقوق بشر می سازد، همخوانی دارد؟!

پیش بینی این امر مشکل است که دولت افغانستان با تعهدی که در برابر منشور یاد شده ملل متحد به نام یکی از اعضای این مؤسسه سپرده است، چگونه می تواند هم مکلفیت خویش را در برابر "برابری شرف و ارزش زن و مرد" و "بزرگداشت حقوق برابر و انتقال ناپذیر همه افراد خاندان بشری" مندرج در اعلامیۀ حقوق بشر از یک طرف به اجراء بگذارد، و هم "اصل و فرع مرد و زن" از دید اسلامیت های تتگ نظر را از طرف دیگر معتبر بخواند؟

حرف در این زمینه زیاد است اما آقای کرزى با مهارت مخصوص خود شان سخن را به جایی کشاندند که هم انسان در آنجا از نفس می ماند و هم قلم: دین، اسلام، شرعیت، کلام خدا و امر پیامبر!!